

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در جلسه قبل کلیاتی از اخبار که درباره تقیه بود به عرضتان رسید که در آنها اهل بیت (ع) با عبارات و عناوین مختلفی اهمیت تقیه را بیان کرده بودند و حالا باید اقسام تقیه را که در اسلام مشروعیت دارند از دیدگاه اخبار مورد بررسی قرار بدهیم، تقیه به طور کلی به اقسامی تقسیم می شود که قسم اول تقیه کتمانیه و قسم دوم تقیه خوفیه و قسم سوم تقیه مداراتیه می باشد و الآن در مورد تقیه کتمانیه بحث می کنیم و عرض کردیم که تقیه کتمانیه در موردی است که انسان باید عقیده و فکر خودش را کتمان کند مثلاً گفتیم که در سوره مؤمنون آمده است که مؤمن آل فرعون ایمان خود را مخفی می کرد تا بتواند در برابر فرعون زندگی کند و همچنین روایات فراوانی داریم که حضرت ابوطالب (ع) مدتی ایمان خود را مکتوم نگه می داشت.

خوب گفتیم که اخبار مربوط به تقیه در ضمن بحث امر به معروف و نهی از منکر در جلد ۱۱ و سائل ۲۰ جلدی از باب ۲۴ تا ۳۶ ذکر شده اند که حالا به عنوان نمونه چند خبر از آنها را عرض می کنیم، اخبار ۱ و ۷ و ۹ و ۱۰ و ۱۶ و ۱۵ و ۲۳ از باب ۲۴ از ابواب الأمر والنهی بر مانحن فیه دلالت دارند که خبر اول از این باب این خبر است: «محمد بن یعقوب، عن علی بن ابراهیم، عن ابیه، عن ابن ابی عمیر، عن هشام ابن سالم و غیره، عن ابی عبدالله (ع) فی قول الله عزوجل ( اولئک یؤتون أجرهم مرتین بما صبروا) قال: بما صبروا علی التقیه ( ویدءون بالحسنة السیئة) قال: الحسنة: التقیة، والسیئة: الإذاعة » روایت سنداً صحیح می باشد و همانطور که می بینید حضرت آیه را تفسیر می کنند و می فرمایند که مراد از حسنه تقیه است و مراد از سیئه إذاعه و فاش کردن می باشد.

خبر ۸ از این باب ۲۴ این خبر است: «وعنه، عن الحسن بن علی الکوفی، عن العباس بن عامر، عن جابر المکفوف عن عبدالله بن ابی یعفور، عن ابی عبدالله (ع) قال: إتقوا علی دینکم، وأحجیوه بالتقیة فإنه لا ایمان لمن لا تقیة له، إنما أنتم فی الناس

کأنحل فی الطیر، و لو أن الطیر یعلم ما فی أجواف النحل ما بقی منها شیء إلا أکلته، و لو أن الناس علموا ما فی أجوافکم أنکم تحبونوا أهل البیت لأکلوکم بألسنتهم، ولنحلوکم فی السر و العلانیة، رحم الله عبداً منکم کان علی ولایتنا».

خبر ۱۶ از این باب ۲۴ این خبر است: «وعن أحمد بن الحسن القطن، عن الحسن بن السکری، عن محمد بن زکریا الجوهری، عن جعفر بن محمد بن عُمارة، عن ابیه، عن سفیان بن سعید قال: سمعت أبا عبدالله جعفر بن محمد الصادق (ع) یقول: علیک بالتقیة فإنها سنة إبراهیم الخلیل (ع) - إلی أن قال: - وإن رسول الله (ع) کان إذا أراد سفراً داری بعیره، و قال (ع): أمرنی ربی بمداراة الناس، كما أمرنی بإقامة الفرائض، ولقد أذبه الله عزوجل بالتقیة، فقال ادفع بالتی هی أحسن فإذا الذی بینک و بینه عداوة كأنه ولیٌ حمیم \* وما یلقاها إلا الذین صبروا) الآیة یا سفیان، من استعمل التقیة فی دین الله فقد تسنم الذروة العلیا من القرآن، و إن عز المؤمن فی حفظ لسانه و من لم یملک لسانه ندم... الحدیث » از این روایت معلوم می شود که توریه جایز است و حضرت ابراهیم (ع) هم که فرمودند إتی سقیم در واقع توریه کرده بودند، البته شیخ انصاری (ره) در مکاسب محرمة در ضمن بحث کذب بحث توریه را مطرح می کنند و می فرمایند که آیا توریه مطلقاً جایز است یا فقط در مقام ضرورت جایز است که در اینجا ظاهراً در مقام ضرورت می باشد، و همچنین پیغمبر (ص) هم گاهی تقیه می کردند که در این روایت هم موردی از آن ذکر شده است، البته عبارت داری بعیره غلط است و درستش این است: وری بعیره که در معانی الاخبار هم این طور آمده.

خبر ۱۷ از این باب ۲۴ هم این خبر است: «وعن محمد بن الحسن، عن الصفار، عن محمد بن الحسین، عن علی بن أسباط، عن علی بن ابی حمزة، عن ابی بصیر قال: سألت أبا عبدالله (ع) عن قول الله عزوجل ( یا ایها الذین آمنوا اصبروا وصابروا و رابطوا) - قال: اصبروا علی المصائب و صابروهم علی التقیة، و رابطوا علی من تقدون به - ( واتقوا الله لعلکم تفلحون ) » این آیه ۲۰۰ از سوره آل عمران می باشد، علامه طباطبائی در مورد هیچ آیه ای به اندازه این آیه مطلب ننوشته اند ایشان حدود ۵۰

صفحه در میزان در مورد این آیه بحث کرده اند و مطلب نوشته اند و علتش هم این است که نوعاً مردم بالاخص قبل از انقلاب به کارهای فردی مثل عبادت ها و امثال آن اهمیت می دادند در صورتی که عمده در اسلام کارهای اجتماعی می باشد فلذا علامه طباطبائی (ره) در اینجا یکی از بحث هایی که مطرح می کنند این است که مخاطب در قرآن کریم مردم هستند مثلاً در قرآن آمده که مردم نماز بخوانند و علاوه بر آن نماز را اقامه کنند و همچنین در قرآن آمده که مردم زانی و زانیه را حد بزنند و در این آیه که در این روایت ذکر شده هم گفته شده اصبروا و صابروا و رابطوا و امام صادق (ع) در تفسیر این آیه می فرمایند که مراد از صابروا یعنی صابروا هم علی التقیة می باشد .

خبر ۲۳ از این باب ۲۴ این خبر است : « سعدین عبدالله فی (بصائر الدرجات) عن احمد بن محمد بن عیسی و محمد بن الحسین بن ابی الخطاب ، عن حماد بن عیسی ، عن حریر بن عبدالله ، عن المعلی ابن خنیس قال : قال لی ابو عبدالله (ع) : یا معلی اکتب امرنا و لا تدعه فانّه من کتم امرنا و لا یدیهه أعزّه الله فی الدنیا ، وجعله نوراً بین عینیهِ یقوده إلى الجنّة ، یا معلی إنّ التقیة دینی و دین آبائی ، و لا دین لمن لا تقیة له ، یا معلی ، إنّ الله یحبّ أن یعبد فی السرّ كما یحبّ أن یعبد فی العلانیة ، و المذبح لأمرنا کالجاحد له » . آقای خوئی (ره) در جلد ۱۸ از معجم الرجال حدیث چندین صفحه درباره معلی بحث کرده و بعد از ذکر مطالبی درباره ضعیف بودن معلی از نجاشی و غیره می فرمایند : « أقول : إنّ الرّجل جلیل القدر من خالص الشیعة » و بعد ایشان می فرمایند که روایاتی در مدح او آمده که جمله ای از آنها صحیحه می باشند و بعد ایشان حرف کسانی که او را تضعیف کرده اند رد می کند و بعد همان جریان کشته شدن او را که دیروز عرض کردیم تعریف می کند ، خلاصه این ها روایاتی درباره تقیه کتمانیه بودند که به عرضتان رسید .

خوب و اما در باب ۲۸ از ابواب الامر والنهی هم روایاتی درباره تقیه کتمانیه ذکر شده و روایات این باب تماماً از تفسیر امام حسن عسکری (ع) نقل شده و در بین علمای ما بحث هایی درباره صحت این تفسیر شده و لکن یکی از مدارک صاحب وسائل این

تفسیر می باشد چنانچه یکی از مدارک بحار الانوار هم این تفسیر می باشد ، و در باب ۳۲ از ابواب الامر والنهی نیز ۶ خبر وجود دارد که تماماً مربوط به تقیه کتمانیه می باشند و خبر ششم آن درباره معلی می باشد و همچنین کل اخبار باب ۳۴ نیز مربوط به تقیه کتمانیه می باشد ، خلاصه اخبار مربوط به تقیه کتمانیه بسیار زیاد می باشند که این اخبار در این بابهایی که ذکر شد و همچنین در ابواب دیگر بیان شده اند ، مثلاً خبر ۲ از باب ۳۳ از ابواب الامر والنهی این خبر است : « و عن علی بن ابراهیم ، عن صالح بن السندي ، عن جعفر بن بشیر ، عن عبسة عن ابي عبدالله (ع) قال : إياکم و ذکر علی و فاطمه (ع) ، فإنّ الناس لیس شیء أبغض إليهم من ذکر علی و فاطمه (ع) » همانطور که می بینید در این روایت گفته شده حتی نام امیرالمومنین (ع) و حضرت زهراء (س) را باید مخفیانه بپرد.

خبر ۴ از باب ۳۳ این خبر است : « و عن محمد بن یحیی ، عن محمد بن الحسین ، عن الحسن بن حبوب ، عن ابن رثاب ، عن ابي عبدالله (ع) قال : صاحب هذا الامر لا یمسّه باسمه إلا کافر » در این روایت آمده که حتی اسم زمان (عج) را نبرید تا اینکه مردم نفهمند که اما حسن عسکری (ع) فرزندی به این نام دارد.

خبر ۷ از باب ۳۳ این خبر است : « و عن علی بن محمد ، عن ابي عبدالله الصالحی قال : سألتی أصحابنا بعد مضي ابي محمد (ع) أن أسأل عن الاسم و المكان ، فخرج الجواب : إن دللتم علی الاسم أذاعوه وإن عرفوا المكان دلّوا علیه » این خبر هم درباره امام زمان (عج) و مخفی نگه داشتن اسم و مکان زندگی او می باشد.

خوب و اما در جلد ۷۵ از بحار الانوار چاپ اسلامیه و در جلد ۷۲ از بحار الانوار چاپ بیروت روایات فراوانی در باب تقیه و بالاخص تقیه کتمانیه ذکر شده است که إن شاء الله شما مراجعه می کنید و مطالعه می فرمائید....

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرين